

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه ۱، شنبه ۳۰ آبان ۱۳۹۴ - ۹ صفر ۱۴۳۷

### بررسی روایات مربوط به آیه نفی سبیل

برخی علما معتقدند بیانی از حضرت رضا علیه السلام درباره آیه نفی سبیل رسیده که مانع تمسک به آیه در جهت نفی حاکمیت کفار بر مؤمنان است. لذا آیه به ضمیمه مقدمه ضرورت تشکیل حکومت برای اثبات وجوب اقامه حکم در عصر غیبت مفید نیست. امام رضا علیه السلام در این روایت که صدوق آن را در عیون اخبار الرضا نقل کرده سبیل را به معنای حجت بیان کرده‌اند:

« وَ أَمَّا قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا فَإِنَّهُ يَقُولُ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِ عَلَى مُؤْمِنٍ حُجَّةً »<sup>۱</sup>

این در حالیست که توجه به ادامه بیان امام رضا علیه السلام نشان می‌دهد آیه حاکمیت کفار بر مومنان را نفی کرده است. بیشتر اینکه امام در ادامه می‌فرماید خداوند از کفاری<sup>۲</sup> خبر داده است که پیامبران را به ناحق کشتند. با این حال سبیلی بر انبیا نداشتند:

« وَ لَقَدْ أَخْبَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَنْ كُفَّارٍ قَتَلُوا النَّبِيَّ بَغَيْرِ الْحَقِّ وَ مَعَ قَتْلِهِمْ إِيَّاهُمْ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُمْ عَلَى أَنْبِيَائِهِ سَبِيلًا مِنْ طَرِيقِ الْحُجَّةِ ».

---

۱. ج ۲، ص ۲۰۴.

۲. مراد بنی اسرائیل است

در حقیقت فرمایش ثامن الحجج به این معناست که تنها سبیل کفار بر پیامبران سبیل فیزیکی و ظاهری بود. به بیان دیگر امام می‌خواهند بگویند تنها کاری که بنی اسرائیل علیه انبیا انجام دادند این بود که آنان را کشتند اما نتوانستند بر ایشان هر نوع تسلط دیگری از جمله حکومت پیدا کنند. چون انبیا زیر بار حاکمیت ظالمانه ایشان نمی‌رفتند.

بنابراین حجت در بیان امام هشتم به دلیل ذیل فرمایش حضرت به معنای اعم از دلیل بحث است که حاکمیت مقبول و پذیرفته شده را نیز در بر می‌گیرد. یعنی حاکمیت کفار از ناحیه انبیا مورد پذیرش قرار نمی‌گرفت و لذا ایشان را به قتل می‌رساندند.

روایت دیگری از طرق عامه رسیده که امیرالمؤمنین مراد از نفی سبیل کافر بر مومن را مربوط به آخرت بیان کرده-  
اند:

«أُخْرِجَ ابْنُ جَرِيرٍ عَنْ عَلِيٍّ وَ لَنْ يُجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا قَالَ فِي الْآخِرَةِ»<sup>۱</sup>

از آن رو که افراد سلسله سند این حدیث اهل سنت‌اند و در مسانید شیعه نیز مشابه آن نقل نشده، روایت مورد قبول ما قرار ندارد.

### نفی ابد بودن آیه و نقش آن در تکمیل استدلال

درآمدن حرف «لن» بر سر فعل «يجعل» که بر نفی ابد دلالت دارد گویای این است که خداوند برای همیشه تسلط حاکمیت کافر بر مسلمانان را به صورت تشریحی نفی کرده است. به بیان دیگر لازم نفی ابد این است که شخص مسلمان در هیچ زمانی زیر بار حکومت کفر نرود. بنابراین قبول حکومت غیردینی در عصر غیبت منتفی است. از سوی دیگر با توجه به ضرورت تشکیل حکومت در جامعه، وجوب اقامه حکومت عدل دینی ثابت می‌شود.

---

<sup>۱</sup>. الدر المنثور، ج ۲، ص ۲۳۵.

سه. «يُرِيدُونَ أَنْ يُتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ»<sup>۱</sup>

سومین دسته از آیاتی که بالملازمه بر ضرورت تشکیل حکومت در عصر غیبت دلالت می‌کند آیاتیست که ضرورت کفرورزی به طاغوت و عدم تسلیم در برابر وی را بیان می‌کند. از جمله آیه مورد اشاره در بالا که می‌فرماید گروهی علیرغم اینکه به آن‌ها دستور داده شده به طاغوت کافر شوند، برای رفع خصومت‌ها و درگیری‌های خود نزد طاغوت داوری می‌برند.

### معنای طاغوت

راغب اصفهانی در بیان معنای طاغوت آورده است: هر متعدی و معبودی جز خدا طاغوت است. لذا افراد انسان و غیر انسان مثل ستاره، آتش و ساحران که مورد پرستش برخی مردم قرار می‌گیرند طاغوت‌اند: «الطَّاغُوتُ عبارةٌ عن كلِّ متعَدٍّ و كلِّ معبود من دون الله و لما تقدّم سَمَى السَّاحِر، و الكاهن، و المارد من الجنّ، و الصارف عن طريق الخیر طاغوتا»<sup>۲</sup>.

البته باید توجه داشت که اطلاق عنوان طاغوت بر شخصی است که خودش ادعای خدایی داشته باشد. لذا اینکه برخی غلات وجود نازنین مولا را پرستش می‌کنند سبب نمی‌شود نعوذ بالله حضرتش را طاغوت بنامیم. بنابراین حاکم غیر دینی که انسان را از راه حق منصرف می‌کند و باز می‌دارد طاغوت است.

---

<sup>۱</sup>. سورة نسا، آية ۶۰.

<sup>۲</sup>. المفردات، ص ۵۲۰.

شان نزول آیه نیز مطابق روایت فریقین بر این دلالت دارد که مراد از طاغوت جریان غیر دینی حاکم بر مسلمانان است. در منابع تفسیری اهل سنت نقل شده که بین مردی یهودی و مردی منافق، اختلافی رخ داد. یهودی که می- دانست پیامبر اهل رشوه نیست و ستم نمی‌کند گفت باید به محمد رجوع کنیم. اما منافق گفت: باید به کعب بن اشرف رجوع کنیم. چه می‌دانست که او رشوه می‌گیرد و به نفع او حکم می‌کند.<sup>۱</sup>

در روایات شیعه طرف نزاع یهودی زبیر معرفی شده است. البته با توجه به خصوصیات شخصیتی زبیر در زمان حیات پیامبر و قبل از خلافت امیرالمومنین و جنگ جمل بعید است که وی پیشنهاد مراجعه به قطب یهودی را مطرح کرده باشد. ضمن اینکه در خود آیه تصریح شده فرد طرف نزاع از منافقان بوده است و زبیر در زمان پیامبر به هیچ وجه در ردیف اهل نفاق نبوده است.

---

<sup>۱</sup> در نام فرد منافق و شخص مسلمانی که یهودی آن را به عنوان داور بیان کرد و شخص یهودی که مسلمان آن را به عنوان داور معرفی کرد نقل‌های متفاوتی وجود دارد.